

یاد باد آن روزگاران یاد باد

دکتر سعدالله نصیری قیداری

۱۳۹۴

اینکه برخی از شاگردان در ذکر سجایای اساتیدشان تحت تاثیر احساسات خود قرار گیرند و در تکریم و تعظیم آنها مبالغه کنند از نظر شنوندگان و خوانندگان امری غیرقابل انتظار نیست لکن این شاگرد کوچک درباره استادی سخن می‌گوید که بارها شاهد تذکرات جدی و بی‌تعارف ایشان در قبال کسانی که در وصف ایشان رعایت امانت و دقت لازم را نکرده‌اند بوده است و این خود یکی از دلایلی است که نوشتن و سخن گفتن در مورد استاد ثبوتی را دو چندان دشوار می‌کند. برای معرفی شخصیت واقعی ایشان علاوه بر داشتن توان و ظرفیت لازم برای ادای حق مطلب، بایستی دقت کافی و موشکافانه در ذکر مناقب و عملکرد ایشان نیز بکار بسته شود. اساتید و دانشجویانی که در کنفرانس فیزیک سال ۱۳۸۱ در دانشگاه زنجان حضور داشتند به یاد دارند که در مراسم بزرگداشت ایشان یکی از سخنرانان وی را دانشمندی نه تنها در سطح زنجان و کشور بلکه در سطح جهانی نامید و پس از قرار گرفتن دکتر ثبوتی در پشت تریبون، پاسخی به این مضمون شنید: به عنوان معلم که کارش تصحیح غلط دیگران است باید بگویم من نه تنها در جهان و کشور بلکه در زنجان کار معمولی انجام داده‌ام! البته این عکس‌العمل از ایشان قابل پیش‌بینی بود زیرا دکتر عزت‌اله ارضی از اساتید فیزیک دانشگاه تهران که در کنار من نشسته بود و از این‌گونه سخنان سخنران حرص می‌خورد گفت: «مطمئنم دکتر ثبوتی جواب ایشان را خواهد داد!». در مراسم نکوداشت دیگری اینجانب در بیان بخشی از عملکرد ایشان مطلبی گفتم که ایشان بلافاصله در آغاز سخن در جمع حضار تذکر دادند که این مطلب را رسانه‌ها و سایت‌ها به غلط از من نوشته‌اند و بارها هم تذکر داده‌ام لکن تصحیح نشده است و افزودند «من در این کار همکاری داشته‌ام نه اینکه من انجام داده‌ام».

یکی از کارهای ماندگار استاد ثبوتی تاسیس دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان است. من در این مقاله سعی کرده‌ام به نحوه شکل‌گیری دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان در حدی که شاهد بوده‌ام بپردازم. البته باید تاکید کنم هدف این سطور بیان جنبه سخت‌افزاری و یا نحوه ساخت‌وساز و ساختار فیزیکی و سازمانی این دانشگاه نیست، که خود حکایتی مفصل دارد، بلکه ایده‌ها، برنامه‌ها، رفتارهای مدیریتی بنیان‌گذار آن و یا به عبارت دیگر وجه نرم‌افزاری آن مورد توجه است. سال ۱۳۷۰ بود و من دانشجوی دکترا در دانشگاه شیراز بودم که برای شرکت در سمپوزیوم بین‌المللی ویگنر به همراه استاد ثبوتی عازم کشور آلمان بودیم. استاد از جلسه‌ای در وزارت علوم به فرودگاه مهرآباد آمده بود و از پیشرفت کار تاسیس مرکزی که بتواند فقط در مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته‌های مختلف علوم پایه دانشجو بپذیرد و اینکه این مرکز با آنچه که تا کنون در کشور راه‌اندازی شده متفاوت خواهد بود و در صورت تاسیس محل آن در شهر زنجان خواهد بود مطالبی فرمودند. از آن پس تردد ایشان به زنجان بیشتر شد. من خیلی کنجکاو شده بودم بینم

ایشان این کار را در زنجان چگونه پیش می‌برند. لکن معمولاً استاد خیلی اهل بروز دادن و رسانه‌ای کردن اقدامات خود نبودند و نیستند و بیشتر بجای «زبان»، «زمان» فعالیت‌های ایشان را نشان می‌دهد. من و دو نفر دیگر اولین دانشجویان دکترای فیزیک شیراز بودیم که از سال ۱۳۶۸ با همت استاد در گروه فیزیک شیراز راه‌اندازی شده بود (که توصیف این اقدام ارزشمند و تاثیرگذار ایشان نیز خود مجال دیگری می‌طلبد) و در این ایام سخت روی پایان‌نامه خود کار می‌کردیم. (البته پذیرفته‌شدگان این مقطع ۴ نفر بودیم. در آغاز دوره از ما تعهد محضری گرفتند که دانشجوی تمام وقت دکترا باشیم و از هرگونه اشتغال به کار دیگر پرهیز کنیم. یکی از دانشجویان برخلاف تعهد خود عمل کرد و علی‌رغم اینکه امتحان جامع را با موفقیت گذرانده بود اخراج شد!). استاد از ما خواستند تابستان را در زنجان بگذرانیم و مراحل پایانی رساله را در آنجا به اتمام برسانیم. حضور در کنار استاد در زنجان، آب‌وهوای خوب این شهر در تابستان، تنوع و تغییر ذائقه و مهیا شدن امکانات لازم در این شهر فرصت مناسبی بود که هر سه نفر ما، با اشتیاق این پیشنهاد را بپذیریم. بخصوص برای من این امتیاز ویژه را نیز داشت که نزدیک زادگاهم (قیدار) باشم و هر از گاهی افتخار مهمان‌نوازی از دوستان را داشته باشم!

در نیش خیابان هفتم فاز سوم شهرک کارمندان در فضایی استیجاری بعنوان اولین مقر مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان مستقر بودیم. امکانات اسکان، غذا، کامپیوتر و نرم‌افزارهای لازم مهیا بود. استاد، در کنار کارهای اجرایی مرکز، به سرپرستی رساله ما هم می‌رسید و محیط آتمسفر علمی بخود گرفته بود. روزی استاد از ما خواست تا از محلی که برای آغاز فعالیت‌های علمی مرکز تحصیلات تکمیلی در اختیار ایشان قرار گرفته بود بازدید کنیم. این محل در ابتدای خیابانی که مدتی بعد به خیابان علوم پایه موسوم شد قرار داشت. یک مجموعه نیمه تمام متشکل از حدود سی‌ویک ساختمان که با کاربری مسکونی ساخته شده بود. این ساختمان‌ها با اعمال تغییراتی در بازه زمانی که مستحدثات اصلی مرکز آماده شود مورد استفاده قرار گرفت. همزمان استاد برای مقر اصلی مرکز به تملک حدود ۸۰ هکتار زمین در موقعیت مناسبی از شهر زنجان اقدام کرد. همان‌طوری‌که اشاره شد در این نوشتار قصد آن نیست که به اقدامات و مراحل سخت‌افزاری یعنی اجرای طرح جامع عمرانی و ساخت فضاهای فیزیکی، تجهیز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و محوطه‌سازی و مواردی از این قبیل بپردازم. هدف این مقاله بیشتر پرداختن به سبک و سیاق مدیریتی استاد ثبوتی و آشنایی با نظام آموزشی و پژوهشی متفاوت این نهاد آموزش عالی است. بقول استاد:

«نارسایی‌ای که من در دانشگاه‌هایمان می‌دیدیم این بود که حق مطلب را ما در این مقاطع بالاتر تحصیلی نمی‌توانستیم ادا بکنیم؛ کنجکاوی دانشجویان را نمی‌توانستیم جواب بدهیم. به موسسات مختلف، دانشگاه شیراز، وزارت علوم و افراد مختلف، به آن‌هایی که صاحب نفوذ بودند در مملکت در موارد مختلف گفتم که این مسئله را سرسری تلقی نکنیم و صرفاً به اینکه مقطع فوق لیسانس یا دکترا داریم اکتفا نکنیم. ببینیم که مقطع فوق لیسانس و دکترا چه چیزی می‌طلبد و آن را از جوان مضایقه نکنیم. و آخر سر به این نتیجه رسیدیم که بهتر است خودم پاشنه کفشم را بکشم و راه بیفتم بینم که چکار می‌توانم

بکنم. هم صحبت می توانستم پیدا بکنم ولی همگام نمی توانستم و بنابراین خودم راه افتادم و به طور جدی باوری را که داشتم پیگیری کردم».

در این راستا سعی می کنم در حد برداشت خودم به موارد زیر اشاره کنم.

۱- توجه به کمیت با حفظ کیفیت:

استاد در فهرست عملکرد خود مواردی از جنس گسترش کمی دارد مثل تاسیس رصدخانه ابوریحان بیرونی شیراز، راه اندازی مقطع کارشناسی ارشد و دکتری فیزیک دانشگاه شیراز، همکاری در تاسیس انجمن فیزیک و انجمن نجوم، تاسیس دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان و در تمام این موارد هدف ایشان تربیت نیروی انسانی کارآمد و کیفی و متخصص بوده است. او به این هدف ایمان دارد و خوب می داند که پیچیده شدن زندگی در جوامع رو به رشد و رفع مشکلات اجتماعی سر راه پیشرفت آن ها نیاز به نیروی انسانی که آموزش کیفی دیده است را بیش از پیش ضروری می سازد. این مقصود حاصل نمی شود مگر اینکه دانشگاه (مدیریت و زیرساخت ها)، استاد و دانشجو وظایف و مأموریت خود را بر اساس یک نقشه راه و بسته اجرایی معینی که هدف گذاری آن آموزش و پژوهش کیفی است انجام دهند. این نقشه راه را در عملکرد و برنامه و توصیه های استاد در بندهای بعد متوجه خواهید شد.

۲- توجه به ارزشیابی و رقابت

در یک فضای علمی که مدام در حال تحول و در معرض تغییرات است بایستی ارزشیابی و پایش پیشرفت ها، شناخت نقاط ضعف ها و چالش ها، رفع موانع و چاره جویی برای رسیدن به اهداف مرحله ای مورد توجه باشد و نتایج این ارزیابی ها و راهکارها و اقدامات صورت گرفته به طور وسیع به کل جامعه اعلام شود. قضاوت افکار عمومی بر اینکه دانشگاه ها و مراکز پژوهشی چه رتبه ای دارند و در کدام رشته ها پیش رفته اند و یا عقب مانده اند انگیزه رقابت و تلاش بیشتر را در آن مراکز ایجاد می کند. در سال هایی که استاد ثبوتی دانشگاه علوم پایه زنجان را راه اندازی می کرد و در سال های بعد از آن که این درخت در حال رشد بود و نهایتاً به بار نشست ایشان همواره به آمار تولیدات و محصولات علمی این دانشگاه به لحاظ کیفی و کمی توجه داشت و همواره در گزارش های مکتوب و شفاهی در همایش ها و نشست ها با ارجاع به مراجع آمار معتبر و رسمی به آن ها اشاره می کرد و به بروز کردن این آمارها با همکاری تک تک اعضای هیات علمی و دانشجویان تاکید داشت. این رفتار مدیریتی باعث شد ضمن ایجاد یک رقابت سازنده درونی و بیرونی و ارزشیابی وضعیت موجود، آینده پژوهشی درستی از مسیری که باید پیموده شود بدست آید و نقاط ضعف و قوت آشکار شود.

۳- واقع‌بینی، اعتماد به‌دورن و استفاده تجربیات بین‌المللی

استاد در یکی از مصاحبه‌هایش چنین می‌فرماید: «من چیزی که دارم می‌گویم این است که خودمان را دست کم نگیریم. این همه از خودمان انتقاد نکنیم، مرغ همسایه را غاز نپنداریم و دل این جوان‌ها را خالی نکنیم. جوان‌ها می‌توانند شوق‌القدر بکنند. در فوتبال‌مان کرده‌اند در فیلم‌سازی‌مان کرده‌اند در کشتی کرده‌اند در دانشگاه‌ها هم دارند می‌کنند. در صنعت‌مان هم دارند می‌کنند، منتها شما می‌خواهید دستاوردهای جامعه‌ای را که تولید ناخالص ملی‌اش چند ده هزارمیلیارد تومان است، مقایسه بکنید با دست‌آوردهای کشورهای که ده‌ها و صدها هزار میلیارد دلار است، یعنی هزارها برابر بیشتر از ما است. خوب پس انتظاراتان را هم هزارها برابر بیاورید پایین دیگر». او در این میان نقش دانشجویان و جوانان را بالاتر از همه عوامل دیگر می‌داند و معتقد است حتی استاد و معلم هم در فرآیند آموزش و پژوهش نقش فرعی دارند و نقش اصلی را از آن دانشجو می‌داند ایشان معتقدند که معلم فقط چند ساعت در کلاس و چند ده ساعت در خارج از کلاس با دانشجو سروکار دارد. این توان فکری و فیزیکی دانشجو است که واقعاً معجزه می‌کند فقط باید به آن‌ها فرصت داد و در دانشگاه، کتابخانه، آزمایشگاه، مرکز کامپیوتر و ... را ۲۴ ساعته باز گذاشت این کار مداوم و جدی جوان‌هاست که با همت خودشان یاد می‌گیرند و سرانجام مفید واقع شوند. او از انتقادهای بی‌امان و بی‌جا گریزان است و بجای انتقاد از مملکت و جامعه معتقد است باید قواعد بازی در دنیای امروز را یاد بگیریم و واقع‌بین باشیم. ایشان علی‌رغم اینکه مقایسه کشورمان را با کشورهای که چند هزار برابر ما تولید ناخالص ملی دارند یک مقایسه مع‌الفارق می‌داند لکن در جایی می‌گوید «فکر می‌کنم باید یک مقدار تامل بکنیم و ببینیم که ما چند نفر داریم و چند تا مقاله در مثلاً فیزیکال ریویو منتشر می‌کنیم و پرینستون چند نفر دارد و چندتا منتشر می‌کند. دانشگاه پرینستون ۲۵۰ نفر فیزیکدان دارد در سال ۵۰۰ مقاله چاپ می‌کند، مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان ۳۰ نفر دارد و مقالاتی که در همان ردیف مجلات چاپ می‌کنیم در سال ۶۰ تا است. رکورد سال گذشته ما را نگاه بکنیم، مال پرینستون را هم نگاه بکنیم». او بجای خالی کردن دل جوانان به آنان توصیه‌های رفتاری و امیدبخش می‌دهد. از جمله این توصیه‌ها عبارتند از: «... هوش و حواص پژوهنده باید آن‌چنان متمرکز باشد که مسئله مورد نظر خود را شب‌ها هم به خواب ببیند ... فیزیکدان اگر روزی دو مطلب جدید در فیزیک نخوانده باشد نباید آن روز خودش را فیزیکدان به حساب بیاورد و در کار فیزیکدانان هم نباید دخالت کند ... فیزیکدان باید مثل مومنی که عامل به شعائر مذهبی است به طور منظم به وظایفش در آموختن فیزیک عمل کند ... همه ما از نظر هوش و استعداد افراد متوسطی هستیم و بیشتر از نبوغ و هوش باید به پشتکار و تلاش خودمان متکی باشیم». در خصوص استفاده از تجربیات بین‌المللی همین قدر کافی است که تقریباً هر سفر استاد به خارج از کشور و شرکت در کنفرانس‌ها و مجامع علمی بین‌المللی منجر به موضوع تحقیقاتی یک یا چند رساله دانشجوی کارشناسی ارشد و دکترا شده است که آن‌ها نیز به نوبه خود در حد توانشان این ارتباطات بین‌المللی را حفظ کرده‌اند. افرادی که در جریان آخرین تحولات در حوزه آموزش در صحن کنفرانس عمومی امسال یونسکو و وقایع بین‌المللی هستند می‌دانند که تغییرات اقلیم و گرمایش زمین

و همچنین نامگذاری سال ۲۰۱۵ به عنوان سال جهانی نور و ابن‌هیثم از موارد و موضوعات مهم، جدید و بروز بین‌المللی بوده و هست. استاد ثبوتی در این موارد از اولین کسانی بود که مقالات موثر در مطبوعات داخلی و مجلات تخصصی و بین‌المللی نوشت و سخنرانی‌های متعدد در مجامع علمی و دانشگاهی و فرهنگستان علوم ایراد کرد. پژوهشگره تغییرات اقلیم را مدت‌ها پیش در دانشگاه تحصیلات تکمیلی زنجان راه‌اندازی کرد که در آن تحقیقات مفیدی در این خصوص توسط ایشان و اساتید و دانشجویان صورت گرفته است.

۴- مدیریت علمی

یکی از وجوه بارز و کم‌نظیر استاد، کار علمی مداوم است که هیچ وقت و در هیچ شرایطی تعطیلی بردار نبوده است. او آموزش و پژوهش را وظیفه اصلی هر معلم و استاد دانشگاه می‌داند و بقیه امور از قبیل کار اجرایی و مدیریتی را امور ثانوی و فرعی قلمداد می‌کند. او معتقد است کار آموزش و پژوهش باید بطور مداوم و مستمر صورت گیرد ولی کار اجرایی مقطعی است و موقتی. او وظایف آموزشی و پژوهشی پاره وقت و مقطعی را از آفت‌های دانشگاه می‌داند. «من یک روز که در دانشگاه شیراز بودم به شدت به مدیریت دانشگاه اعتراض کردم که شما در دانشگاه مدیران حرفه‌ای از کادر علمی تان درست کرده‌اید که کار علمی‌شان فرع بر کار مدیریتی‌شان شده و این برای دانشگاه به هیچ وجه صلاح و مفید نیست. منتها خب هیچ وقت در موقعیتی نبودم که این حرف‌هایم اثری داشته باشد و محلی از اعراب بتواند پیدا بکند». به همین دلیل است وقتی که دانشگاه علوم پایه زنجان را راه‌اندازی کرد در طول بیست سال مدیریتی و بعد از آن نیز، هیچ‌گاه کار آموزش و پژوهش را فرع بر کار مدیریتی فرض نکرد و با همان اشتیاق و دسیپلین در فضای آموزش و پژوهش حضور داشت و دارد. ایشان در این خصلت و رفتار، الگوی بی‌نظیری هستند. آن‌هایی که از نزدیک شاهد حجم تلاش و کار اجرایی ایشان در هدایت دانشگاه تحصیلات تکمیلی زنجان بودند می‌دانند که با آن همه تلاش و با تیم اجرایی محدود (فقط با یک معاون) کار علمی و آموزش و پژوهش خود را در تراز عالی انجام می‌دادند و وقت و زمان خود را بگونه‌ای مدیریت می‌کردند که به هر دو بخش از مسئولیت خود به خوبی رسیدگی می‌کردند در این باره به خاطره کوتاهی از دکتر محمدتقی توسلی استاد فیزیک دانشگاه تهران اشاره می‌کنم. «همت دکتر ثبوتی در بنای پردیس جدید مرکز زنجان مثال‌زدنی است. ایشان در همه مسائل اعم از طراحی، تهیه مواد، و ساخت دخالت می‌کرد و نظر می‌داد، که کاری طاقت‌فرسا بود. یک روز من در جاده گاو‌ه‌زنگ پیاده‌روی می‌کردم، دیدم دکتر ثبوتی، که معمولاً آرام راه می‌رود، به سرعت به طرف پردیس در حال حرکت است. پرسیدم با این عجله کجا می‌رود. به آب گل‌آلودی که در جوی کنار جاده جاری بود اشاره کرد و گفت این بتون را خراب می‌کند و بناها و کارگران ممکن است متوجه نباشند».

۵- تواضع در کنار تخصص

همکاران و دانشجویانی که پای حرف‌های غیر از فیزیک و تخصص استاد نشسته‌اند می‌دانند که ایشان مطالعات گسترده‌ای در حوزه‌های جغرافیا (از مغولستان گرفته تا ماورای قفقاز و بین‌النهرین، مصر و شبه قاره هند) تاریخ، مطالعات مذهبی (در حوزه مسیحیت، یهودیت، ادیان و مذاهب ایرانی، کتب اربعه شیعه به زبان عربی و کتب اهل سنت) شعر و هنر و ... دارند لکن به همان اندازه که در حوزه تخصصی خودشان یعنی فیزیک و اختر فیزیک با صلابت استدلال و اظهار نظر می‌کنند در حوزه‌های دیگر با تواضع و فروتنی صحبت می‌کنند. نمونه‌ای از فرمایشات ایشان در حوزه شعر و هنر چنین است. «با شعر کلاسیک تا اندازه‌ای آشنا هستم ولی در مقام تجسم که شاعر چگونه موجودی است و چه استعداد شگرفی در بازی با کلمات دارد همیشه درمانده‌ام و در تصورم نگنجیده است. هنرمندان را هم نتوانسته‌ام تصور کنم. من واقعاً این‌ها را آدم‌های خارق‌العاده‌ای می‌دانم که هیچ وقت نتوانسته‌ام به آستان توانایی‌هاشان نزدیک بشوم». او بجای تعارف و تعریف‌های نامتعارف چه از زبان خود و چه از زبان دیگران، با عشق و بی‌نیاز از کف‌زدن و تمجید دیگران در عمل تلاش بی‌امان کرده است و قبلاً هم اشاره کردم خیلی به تعریف و تمجید دیگران پایبند نیست بخصوص اگر این تعارفات از مرز واقعیت فرار رود و صورت اغراق به خود بگیرد. به این عبارات از استاد در یکی از مصاحبه‌هایم در مورد بزرگداشت هفتادمین سال تشکیل انجمن فیزیک ایران توجه فرمایید «الان اگر می‌بینید که انجمن فیزیک کنفرانس امسالش را به نام من گذاشته به این خاطر نیست که من در یک مرحله‌ای از زندگی‌ام یا در طول زندگی‌ام شوق‌القمری کرده‌ام. به هیچ وجه، من در هیچ مرحله‌ای از زندگی‌ام شوق‌القمری نکرده‌ام؛ فکر می‌کنم انجمن فیزیک ایران گشته است ببینید کدام یکی از فیزیکدان‌ها سنش به هفتاد رسیده و همسن انجمن شده و رسیده است به من - والسلام، مناسبتش این است. بنابراین سعی نکنید در این مصاحبه‌تان از من حرف بکشید تا ببینید که من کدام امامزاده‌ام و چه معجزاتی از من سرزده است».

۶- متدولوژی آموزش و پژوهش و اهمیت همزمان به علوم نظری و تجربی

یکی از خصال آشنای استاد در امر آموزش و پژوهش برخورد با مسائل پیچیده است. متدولوژی ایشان ساده کردن حتی‌المقدور یک مسئله پیچیده و سپس بررسی و حل آن است. مثال‌های ملموس و هوشمندانه ایشان در تعمیق و تفهیم مسائل پیچیده فیزیک خود مثال‌زدنی است و شاگردان ایشان مثال‌های خاطره‌انگیز و بعضاً طنزآمیز ایشان را بیاد دارند. از طرفی توجه و تشویق ایشان به شواهد تجربی و جایگاه و مشاهده چه در کلاس‌های درس و چه در پروژه‌های تحقیقاتی و چه در اظهار نظرات در خصوص تاریخ علم و منش و رفتار دانشمندان گذشته همواره قابل توجه است. به فرازی از سخنان ایشان در این ارتباط اشاره می‌کنم: «به طور کلی در تمام شاخه‌های علوم پدیده‌هایی که طبیعت به پژوهشگر عرضه می‌کند بسیار پیچیده‌اند، معلومات فیزیکدان یا شیمی‌دان یا هر دانش‌پیشه دیگر بسیار محدود است. مسئله پیچیده را نمی‌تواند حل بکند. اگر ساده‌اش بکنید شاید بتواند. مثال بزنم، به یک فیزیکدان اگر بگویند که پرده طبل چه فرکانس‌هایی می‌تواند تولید کند خیلی آسان می‌تواند جواب بدهد. معادله ریاضی‌اش را می‌نویسد و حل می‌کند و به شما می‌گوید که

فرکانس باید فلان باشد. ولی اگر بگویید که سیمی دارم که نازک و کلفت می‌شود و مهره‌ای هم به آن بسته‌ام و حالا چه فرکانس‌هایی باید بدهد دیگر نمی‌تواند آن را حل بکند. حداکثر می‌تواند بگوید بگذار آزمایش بکنم و با آزمایش بگویم. روند پیشرفت علوم و در رأس‌شان فیزیک این بوده که مسائل پیچیده‌ای را که طبیعت ارائه می‌داده ساده بکند و مسئله ساده شده را حل کند. بعد ببینید جوابش به آن چیزی که طبیعت ارائه داده نزدیک هست یا دور. اگر به قدر کافی نزدیک بود جواب همان است که پیدا شده. اگر دور بود ببیند چه عاملی است که نتیجه محاسبات مدل ساده را با آنچه طبیعت عرضه می‌کند متفاوت می‌سازد. حالا شما اگر یک کهکشانِ ماریچی داشته باشید و برسید اگر از حالت تعادلش خارج شد حول وضع تعادل چه نوساناتی انجام می‌دهد، کسی پیدا نخواهید کرد که جواب شما را بدهد. ولی اگر به شما گفته بشود که یک خوشه کروی داریم که از مثلاً یک میلیون ستاره تشکیل شده - از این نمونه‌ها که فرم کروی دارد در آسمان فراوان است - حل کردن این مسئله که تقارن کروی دارد خیلی آسان‌تر از مسئله کهکشانِ ماریچی است. علت آن عنوان‌هایی که انتخاب کرده‌ام که کروی و همسانگرد و فلان و فلان باشد به خاطر این است که مسئله از نظر ریاضی قابلِ محاط شدن باشد».

۷- خوش بینی و امیدوار بودن و امید دادن

پرکاری، کم‌گویی و صبوری استاد این امکان را برای شاگردان و همکارانش فراهم نکرده است که علی‌رغم سال‌ها با هم بودن بتوانند به همه ابعاد و وجوه شخصیت ایشان پی ببرند مواردی که در بالا ذکر شد برداشت‌های شخصی یک شاگرد علاقه‌مند به استاد است. شاگردی که یادگرفتن مادام‌العمر، ماندن در ایران و خدمت مادام‌العمر به جوانان کشور، صداقت در یاد دادن و یاد گرفتن و همه و همه را علی‌رغم مشکلات و واقعیات و دقایق ملموس و ناملموس در رفتار و کردار استادش تجربه کرده است. به خصلت خوش‌بینی و امیدوار بودن و امید دادن به عنوان آخرین مورد از «این نوشتار» اشاره می‌کنم و ذکر دیگر مناقب و کمالات استاد در منش مدیریتی و معلمی ایشان را که در فضای دانشگاه تحصیلات تکمیلی زنجان تاثیر گذار بود و این آثار را در چهره تک تک دانشجویان، اساتید، کارکنان و در و دیوار آن می‌توان مشاهده کرد، به همراه فرایند ساخت و ساز دانشکده‌ها، کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها، سلف سرویس، مسجد، محوطه‌سازی و ... دانشگاه تحصیلات تکمیلی زنجان و اجرای پروژه‌های متعدد پژوهشی آن را به فرصتی دیگر موکول می‌کنم. حکایت و نظرات بناها، پیمانکاران، کارگران، باغبان‌ها، نجارها و ... در طول اجرای طرح‌های عمرانی دانشگاه خود بسیار شنیدنی و نوشتنی است.

استاد ضمن تاکید بر تلاش مستمر و مداوم، پرهیز از اتلاف وقت، تشویق به کار گروهی، انتشار به موقع نتایج پژوهش، خوش‌بینی عالمانه و امیدوار بودن به آینده و امید به پیشرفت داشتن، قدرشناسی و احترام به نتایج بدست آمده را همیشه در کردار و گفتار خود مدنظر داشته‌اند. در این راستا به سخنان استاد توجه فرمایید: «همه این نشانه‌های امیدبخش و نیکو

را به فال نیک می‌گیرم و بسیار خوشحالم از اینکه بدنه حاضر فیزیک ایران را برنا و پرتوان می‌بینیم. ممکن است گفته شود که هنوز از دنیا خیلی عقب‌ایم. یا اینکه همت لازم به کار نرفته، سرمایه‌گذاری شایسته انجام نگرفته، دستاوردها چشم‌گیر نبوده و آنچه هم در بالا گفته شد بر اثر پیشرفت همه‌جانبه دنیا و اقتضای زمان بوده است. من با این گروه هیچ‌انگار، هم‌صدا نبوده‌ام و نخواهم بود. زمان لازم است که گروهی، ولو انگشت شمار، در میان ما پیدا شود که به رمز و راز دانش‌ها و فناوری‌های نو پی ببرند و در مقام رویارویی با آفرینندگان آن‌ها اقلأ خود را برابر بدانند و هیبت و هیمنه خدایی در آن‌ها نبینند. خود را صاحب‌نظر بدانند و حتی سهمی، ولو اندک، در گسترش دانش و فناوری جهانی داشته باشند. اگر داوری به انصاف باشد، راهی جز این نمی‌توانسته پیموده شده باشد. تکاندن گرد و خاک کهنگی از جامعه‌ای که سده‌های دراز در خمودی و ایستایی بود کار آسانی نبوده است. با بی‌تفاوتی از کنار کرده‌های کوچک دیگران رد شدن را بسیار بازدارنده می‌بینم. به پر و پای یکدیگر پیچیدن را ویرانگر می‌دانم. نمی‌خواهم برای جامعه بزرگ چند ده میلیونی مان نسخه پیشرفت بیچم. ولی در درون جامعه فیزیک دلم می‌خواهد کارهای خرد هم‌دیگر را ببینم و بارک‌الله بگویم. دلم می‌خواهد فضای همفکری داشته باشیم، سنگ پیش پای هم‌دیگر نباشیم و فکر نکنیم که موفقیت یکی عدم توفیق یکی دیگر را سبب خواهد شد. این جامعه و کشور به قدر کافی وسیع و نیازهای آن به قدر کافی فراوان و گوناگون است که برای هر اندیشه و ابداع مصرف داشته باشد و جا برای هیچ کس تنگ نباشد».

در پایان باید عرض کنم که استاد ثبوتی که حدود ۵۰ سال پیش فعالیت‌های خود را رسماً در دانشگاه شیراز آغاز کرد در زمره اشخاص نادری است که توانسته است در راستای فعالیت علمی خود در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی، اجرایی و فرهنگی تعادل معنی‌داری بوجود آورد و در تمام این حوزه‌ها الگوی موفق ارائه دهد مقالات پژوهشی ایشان در تراز بین‌المللی در آن سال‌ها و تا کنون، منطق محکم، شخصیت جذاب و لحن و ادبیات دلنشین ایشان در امر آموزش، تاسیس و راه‌اندازی مراکز پژوهشی و آموزشی مثل رصدخانه ابوریحان بیرونی شیراز، کتابخانه منطقه‌ای در دانشگاه شیراز، دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان و ... هر کدام قدمی نو؛ الگویی جدید و موفق و تاثیرگذار در سطح ملی و منطقه‌ای بوده است، همکاری در تاسیس انجمن‌های علمی فیزیک، نجوم و ریاست بر آن‌ها، راه‌اندازی مقاطع تحصیلی فوق لیسانس و دکترا، عضویت در فرهنگستان علوم، انجمن نجوم آمریکا، آکادمی علوم جهان سوم و ... بخش دیگری از خرمن پرمحصول و با کیفیت عمر بابرکت استاد است. به قول دکتر توسلی گفتنی در مورد ایشان بسیار است. باشد وقتی دیگر وجود نازنینش تندرست و سایه‌اش بر جامعه فیزیک ایران مستدام باد.

سعداله نصیری قیداری